

رهبر معظم انقلاب در نخستین دیدار هیئت دولت چهاردهم با ارجاع به تکرار موضوع «عدالت» در سخنان رئیس‌جمهور بر اهمیت وجود «پیوست عدالت» در لوائح قانونی و تصمیمات دولت تأکید و به طراحی یک نرم‌افزار برای این کار از سسوی جمعی از جوانان دانشگاهی اشاره کردند: «پیوست عدالت یک ترتیب اداری یا یک فرم تشریفاتی نیست، یک امر واقعی است؛ یعنی مراکزی مثل سازمان برنامه – از باب مثال – که برنامه را تنظیم می‌کنند، تصمیم‌ها را می‌سازند، تصمیم‌سازی می‌کنند، قانونها را آماده می‌کنند، لوائح قانونی دولت را آنها می‌نویسند، آنها تنظیم می‌کنند، بایستی یک مراقبتی [کنند] – حالا یا از سوی خود آنها یا کسانی را آقای رئیس‌جمهور معین کنند – نگاه‌کنند ببینند تأثیر این قانون، تأثیر این برنامه در شکاف اجتماعی چقدر است، کم می‌کند، زیاد می‌کند، تأثیر می‌گذارد، نمی‌گذارد، فاصله‌ی طبقاتی را کم می‌کند زیاد می‌کند؛ این را مراقبت کنند و اگر دیدند این برنامه موجب می‌شود که فاصله‌ی طبقاتی زیاد بشود، برنامه را حذف کنند، [یا] آن قسمت از برنامه را حذف کنند. «پیوست عدالت» یعنی این، نه اینکه ما یک کاغذی پیوست کنیم به قانونمان که یک شرایطی بگذاریم؛ نه، در خود قانون [باشد]. این کار آسانی نیست، یک کار سختی است، کار مشکلی است، بنده البته اطلاع پیدا کردم یک تعدادی جوان دانشگاهی فاضل و مطلع یک نرم‌افزاری برای این کار تهیه کردند که حالا اگر خواستید، مراجعه می‌کنید و می‌خواهیدشان و اگر آ مورد قبولتان قرار گرفت، مورد استفاده قرار می‌دهید.» ۱۴۰۲/۰۶/۰۶

«نرم‌افسزار عمومی پیوست عدالت اجتماعی» از جمله فناوری‌های طراحی شده برای پیوست‌نگاری برنامه‌ها و قوانین، مبتنی بر نظریه اسلامی عدالت اجتماعی است که در مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام طراحی شده است.

رسانه KHAMENEI.IR بر همین اساس در یادداشتی از آقای محمداصادق تراب‌زاده چهرمی، پژوهشگر عدالت اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام راهکارهای نهادینه‌سازی وجود پیوست عدالت در تصمیمات و قوانین کشور را بررسی کرده است.

پیوست عدالت اجتماعی، تلویحاً در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۴۹۰ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، این‌گونه مورد مطالبه قرار گرفت: «ما اگر بخواهیم فاصله بین آنچه که از عدالت لازم داریم و باید باشد و آن وضعیت کنونی را -وضعیتی که فعلاً مستقر است- کم کنیم، بایستی به روش‌ها و راهکارهای جدید و مؤثر دست پیدا کنیم. باید بدانیم شیوه‌های کاربردی عدالت چه چیزهایی است؛ یعنی زمان آزمون و خطا با سبوری شده‌بندیم. دیگر صلاح نیست ما این‌جور عمل کنیم. باید بنشینیم روش‌های متنوع و مبتنی بر تعاریف متنوع را پیدا کنیم، تشخیص بدیم، روی آن‌ها مستقر شویم و حرکت کنیم.» در اولین مطالبه در ۶ شهریور ۱۴۰۰ از اولین دیدار با هیئت دولت سیزدهم تحت عنوان ضرورت پیوست عدالت مطرح شد: «به نظر من هر موصّی‌های که شما تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای پیوست داشته‌باید. دیگر صلاح نیست ما این‌جور عمل کنیم. باید بنشینیم روش‌های متنوع و مبتنی بر تعاریف متنوع را پیدا کنیم، تشخیص بدیم، روی آن‌ها مستقر شویم و حرکت کنیم.» در اولین مطالبه در ۶ شهریور ۱۴۰۰ از اولین دیدار با هیئت دولت سیزدهم تحت عنوان ضرورت پیوست عدالت مطرح شد: «به نظر من هر موصّی‌های که شما تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای پیوست داشته‌باید. دیگر صلاح نیست ما این‌جور عمل کنیم. باید بنشینیم روش‌های متنوع و مبتنی بر تعاریف متنوع را پیدا کنیم، تشخیص بدیم، روی آن‌ها مستقر شویم و حرکت کنیم.» در اولین دیدار با هیئت دولت سیزدهم تحت عنوان ضرورت پیوست عدالت مطرح شد: «به نظر من هر موصّی‌های که شما تصویب می‌کنید، هر لایحه‌ای که در دولت تنظیم می‌کنید، هر بخشنامه‌ای پیوست داشته‌باید. دیگر صلاح نیست ما این‌جور عمل کنیم. باید بنشینیم روش‌های متنوع و مبتنی بر تعاریف متنوع را پیدا کنیم، تشخیص بدیم، روی آن‌ها مستقر شویم و حرکت کنیم.»

پیوست عدالت، در ۶ شهریور ۱۴۰۲ در اولین دیدار با هیئت دولت چهاردهم و تحت همان عنوان پیوست عدالت مطرح شده است.

مبتنی بر این مطالبه، پیوست عدالت عبارت است از «بررسی سازگاری یک برنامه، مداخله، اقدام یا خط‌مشی از منظر عدالت اجتماعی»، البته عدالت اجتماعی از منظر اسلام، به عبارت دیگر، هر گاه می‌خواهیم یک مداخله را طراحی یا اجرا کنیم یا پس از اجرا، آن را بررسی کنیم، از منظر عدالت آن طراحی، اجرا یا قضاوت نهائی را بازبینی کنیم، پس پیوست عدالت، ترکیبی است از دانش ارزشیابی و نظریه اسلامی عدالت اجتماعی.

عدالت از چند جهت بسا برنامه‌ها و مداخلات در فضای عمومی، نسبت برقرار می‌کند:

- ۱. سخن از عدالت، سخن از وضعیت مطلوب جامعه است. پس بر اقدامی می‌تواند مسا را به این وضعیت مطلوب نزدیک یا از آن دور کند. از این منظر، اقدام و مداخلات، خارج از دایره عدالت نیست.
- ۲. هر مداخله یا اقدامی، منجر به تغییر بهره‌مندی‌های افراد و اجتماعات مختلفی می‌شود. تغییر بهره‌مندی‌ها نیز موضوع عدالت خواهد بود.

۳. از منظر اسلامی، عدالت اجتماعی به عنوان ارزشی حاکم بر سایر ارزش‌های اجتماعی است که حدّ بروز ارزش‌های مختلف اجتماعی در اقدامات و مداخلات ما، روشن می‌سازد. این منظر نیز، عدالت در همه مداخلات و اقدامات محسوب دارد. بر این اساس، پیوست عدالت، توجیه ناموجه مداخلات اجتماعی نیست بلکه شرح هم‌رسانایی یا طراحی عادلانه آن‌ها است. پیوست عدالت، و حاشیایی در نظام حاکمیتی موجب رشد دانش

ارزشیابی و به کارگیری آن در تصمیم‌ها شد:

- ۱. نگرانی از تحقق اهداف مدنظر در برنامه‌های عمومی.
- ۲. توجه به کاهش هزینه تحقق اهداف مدنظر در برنامه‌های عمومی.

به عبارت دیگر برای نظام حاکمیتی مهم بود بدانند:

- آیا برنامه به اهدافش می‌رسد؟
- عوارض دیگری تولید نمی‌کند؟
- آیا می‌توان بخشی از برنامه را بهبود داد؟
- تقاضای بررسی علمی مسائل وجود داشت و در میان جامعه علمی، نقدها و پیشنهادهای علمی، مطرح می‌شدند؟
- تقاضای علوم اجتماعی مدرن در حل مسائل روشن‌تر شد.
- پس تقاضا برای خلق دانشی جدید در فضای مسئله، رشد کرد و منجر به آن شد که دانش ارزشیابی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های دانش مسئله، به صورت تخصصی ظهور کند.
- از آنجا که تقاضای بیرونی برای تولید



توصیه رهبر انقلاب به تهیه پیوست عدالت برای هر قانون وتصمیم مهم دولت:

پیوست عدالت یک کار تشریفاتی نیست، یک امر واقعی است

«در قوانین و تصمیمات مهم دولت [پیوست عدالت لازم دارد. پیوست عدالت یک ترتیب اداری یا یک فرم تشریفاتی نیست، یک امر واقعی است؛ یعنی مراکزی مثل سازمان برنامه – از یاب مثال –که برنامه را تنظیم میکنند، تصمیم‌ها را میسازند، تصمیم‌سازی میکنند، قانونها را آماده میکنند، لوائح قانونی دولت را آنها مینویسند، آنها تنظیم میکنند، بایستی یک مراقبتی [کنند] نگاه‌کنند ببینند تأثیر این قانون، تأثیر این برنامه در شکاف اجتماعی چقدر است، کم می‌کند، زیاد می‌کند، تأثیر می‌گذارد، نمیگذارد، فاصله‌ی طبقاتی را کم میکند زیاد میکند.»

بیانات رهبر انقلاب درحین دیدار هیئت دولت چهاردهم

۱۴۰۲/۰۶/۰۶



عده‌ای عالم و پژوهشگر، از مسیر فوتوسنتز به تولید فکر روی بیابوند و نیاز نهاد سیاست و اداره را تأمین کنند، یک خیال خام است اما پول‌پاشی نیز به مقصود نمی‌رسد. نهاد سیاست و اداره، بدون تولید فرآیندهای زائد اولاً باید برای اقتصاد پیوست عدالت، هزینه کنند، ثانیاً باید هدفمند و آگاهانه هزینه کنند و ثالثاً باید بدانند که در ابتدای راه، نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه‌ای هستیم * ۱۰. پیوست در نقطه طراحی به جای خامه روی کیبک: گرچه پیوست، امری پسینی (پس از تدوین یا اجرای برنامه‌ها) است اما هم ممکن است و هم بهتر است که پیوست‌نگاری به امری پیشینی تبدیل شود و پیوست‌نگاری در نقطه طراحی و همزمان با آن انجام شود تا اصلاحات لازم در طراحی برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها صورت گیرد. این کار، ضمانت بهتری در تحقق عدالت است. در غیر این صورت، پیوست عدالت در قلمتی پسینی، خامه روی کیبک می‌شود.

* ۱۱. محدود کردن پیوست به

آیین‌نامه و بخشنامه «نوسید و بشود» یا چند فرم ساده: یک آسیب رایج که با فرهنگ اداری ما نیز سازگار شده

است، توجه به پیوست‌نگاری در قالب چند دستور یا تحمیل چند فرم اداری صرفاً اجباری است. این نوع مواجهه، صرفاً فرمالیسم اداری را بیشتر می‌کند و به

حرکت همزمان در دو نهاد سیاست

و اداره و نهاد علم، برای تحقق پیوست عدالت ضرورت دارد و ایسن جریان تقاضای پیوست‌نگاری از سوی نهاد سیاست و اداره است که می‌تواند نهاد

علم را به حرکت درآورد اما نهاد علم نیز باید بداند که با دانش و ظرفیت موجود، نمی‌تواند پاسخگوی مسائل نهاد سیاست

و اداره باشد. در شرایطی هستیم که اراده نهاد سیاست، چندان به پیوست عدالت تعلق نگرفته است و نهاد اداره، آن را فهم نمی‌کند و برایش تعریف نشده است. در چنین موقعیتی، به نظر می‌رسد باید از پایه شروع به اصلاح کرد؟

* ۱. آموزش و ارتقاء سواد عدالت

میدران دستگاه‌ها.

* ۲. آموزش عملی جهت تربیت

پیوست‌نگار حرفه‌ای از میان کارشناسان

دستگاه‌ها.

* ۳. سفارش پروژه‌های

پیوست‌نگاری عدالت به نهاد علم و

نهاد‌های واسط علم-عمل برای

پروژه‌های مهم و منتخب دستگاه‌ها

بر اساس فناوری‌های تولید شده

پیوست‌نگاری مبتنی بر نظریه اسلامی

عدالت اجتماعی. این پروژه‌های واقعی

در مورد برنامه‌های واقعی، می‌توانند

زمینه یادگیری و تکرار پیوست‌نگاری

در دستگاه‌های مختلف را فراهم کنند.

پیوست عدالت اجتماعی مرکز رشد

دانشگاه امام صادق علیه‌السلام است که

در دیدار ۶ شهریور ۱۴۰۲ رهبر معظم

انقلاب اسلامی با دولت چهاردهم مورد

اشاره قرار گرفت.

* ۴. تغییر برخی فرآیندها و قواعد

تصمیم‌سازی در کشور مبتنی بر اقتضات

تحقق عدالت، فارغ از اینکه محتوای هر

برنامه یا خط‌مشی چیست، فرآیند به

تصمیم‌رسیدن نیز نیازمند اطلاعاتی

است.از آن جمله، ارتقاء کیفیت برنامه‌های

سیستم‌درب پشنی برای ورود این برنامه‌ها

به دستور کار تصمیم‌گیری معاونت کنند

تا دستگاه‌ها موظف باشند، کیفیت برنامه

را بالا برند.

* ۵. بازسازی اساسی نظام آمار

و اطلاعات در کشور و حل چالش

دسترسی به اطلاعات.

هستند نسبت به پیوست عدالت، اقدام

کنند اما لازم است در بالاترین سطوح

دولت، نسبت به مأموریت ساخت

اکوسیستم پیوست عدالت، مسئول

فرهنگ نیز می‌توان به سهم خود، نکاتی

را مطرح کرد:

* ۱. ی‌توجهی نهاد سیاست و اداره

به ضرورت بررسی تصمیم‌ها، برنامه‌ها و

خط‌مشی‌ها از منظر عدالت اجتماعی و

اعمال نتایج بررسی به سمت بهبود و تغییر.

اساساً نهاد سیاست و اداره، تصور می‌کند یا

اخذ تصمیم، مسئله را حل کرده و حتماً

نتایج محقق می‌شود و چون انسان‌هایی

سالم هستند، حتماً به عدالت هم منجر

شوند.

* ۵. تصورات غلط و ناقص از عدالت

و پیوست عدالت که بخشی از تصورات

ناشی از معنای اولیه واژه پیوست و

جرجریات تلخی چون پیوست فرهنگی

در کشور است.

* ۶ برنامه محوری، زیرساخت

پیوست عدالت است. اساساً بسیاری از

تصمیم‌ها، از جنس برنامه نیستند که

بتوان آن‌ها را مورد پیوست‌نگاری قرار

داد. تصمیم‌ها باید اهداف مشخص،

فرهنگ نیز می‌توان به سهم خود، نکاتی

را مطرح کرد:

* ۱. ی‌توجهی نهاد سیاست و اداره

به ضرورت بررسی تصمیم‌ها، برنامه‌ها و

خط‌مشی‌ها از منظر عدالت اجتماعی و

اعمال نتایج بررسی به سمت بهبود و تغییر.

اساساً نهاد سیاست و اداره، تصور می‌کند یا

اخذ تصمیم، مسئله را حل کرده و حتماً

نتایج محقق می‌شود و چون انسان‌هایی

سالم هستند، حتماً به عدالت هم منجر

شوند.

وقتی از نهادینه شدن پیوست‌نگاری عدالت اجتماعی در نظام حکمرانی کشور سخن می‌گوییم، توجه داریم که از یک تغییر اکوسیستم در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سخن می‌گوییم؛ نه یک حل مسئله خرد و مقطعی یا پژوهش‌هایی در کنار سایر پژوهش‌ها. در مورد این سخن می‌گوییم که قاعده و روال تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری باید بر مدار عدالت تغییر کند. این امر، بسیار فراتر از این است که بگوییم سیاست‌گذاران و مجریان، در طراحی و اجرای تصمیم‌های خود، به عدالت هم توجه و نظری داشته باشند. باید بپذیرند که قاعده تصمیم‌گیری باید به جریانی کارشناسی متصل شود تا از سعی و خطا پرهیز شود و البته این جریان کارشناسی اکنون وجود ندارد و باید در قالب یک اکوسیستم مبتنی بر نظریه اسلامی عدالت اجتماعی، ساخته شود.



علم در جامعه علمی وجود داشت، اقتصاد ارزشیابی، رونق گرفت و تدریجاً رشته‌ها، پژوهش‌ها، کتاب‌ها، نشریه‌ها و انجمن‌های علمی شکل گرفتند. تدریجاً

در کنار بخش دولتی، بخش خصوصی و

بخش سوم نیز مایل به استفاده از دانش

ارزشیابی در حوزه فعالیت‌ها و منافع بخش

خصوصی یا تدفغه‌های اجتماعی بخش

سوم شدند. این امر نیز تقاضای دیگری

به دانش ارزشیابی تزیق کرد و موجب

رشد بیشتر این دانش شد. به تبع رشد

دانش و جامع علمی ارزشیابی، تربیت

نیرو (ارزشیاب حرفه‌ای) نیز در دستور قرار

گرفت و در دستگاه‌های دولتی، دفاتر و

نیروهای متخصص ارزشیاب جایلی شدند.

هم‌زمان مؤسسات ارزشیابی بیرون دولت

برای خدمات‌دهی به دولت در این حوزه

نیز رشد کردند. علاوه بر این، برای ارتقاء

کیفیت برنامه‌ها، قوانینی در نحوه تنظیم

برنامه‌ها از جمله GPRA^(۱) وضع کردند

و امسال در آن را جرم‌نگاری کردند؛

نظام‌های آمار و اطلاعات در دسترس، به

روز و جامعی به عنوان زیرساخت ارزشیابی

تأمین کردند و به تبعیر بهتر، برنامه و امکان

ارزشیابی برنامه را رقم زدند.

ثمره این جریان آن بود که دانش

ارزشیابی در لایه پژوهشی و تربیت مبتدی

رشد کرد و بدنه سیاسی و اجرایی نیز

از آن بهره‌مند شد. در نهایت اکوسیستم

ارزشیابی برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها شکل

گرفت. اما یا شکل‌گیری این اکوسیستم

^[1] Government Performance and Results Act